**گل امید در نخستین روابط سیاسی بین افغانستان و آمریکا**

**مشیری، فریدون**

جواب داده شده بود که این زن شهزاده خانم واقعی و حقیقی افغانی می‏باشد.و این‏ شهزاده خانم نامه‏های متعددی نیز با خود همراه داشت که از سوی مقامهای رسمی پنجاب‏ بوی داده شده بود که به معرفی و شناسائی وی کمک خوبی می‏کرد.اما دربارهء میسیون افغانی، که از مقامهای انگلیسی پرسش بعمل آمد آن مقام از اظهار وجود این میسیون انکار ورزیده و خودشانرا بقول معروف«بی‏اطلاع از همه چیز»دانستند و دربارهء میسیون افغانی اظهار بی‏ اطلاعی کردند و در عوض هر روز بر تبلیغات شاهدخت مذکور افزوده می‏شد او در همه دعوتها و ضیافتهای رسمی حاضر گردیده و بوی بیشتر ارج گزارده می‏شد.چنانچه در ضیافت شهردار نیویورک،آقای جون.اف.های لان‏1شاهزاده خانم الماس قشنگ«دریای نور»را چنان با طرز جالبی به گردن آویخته بود که مورد توجه مدعوین قرارگرفته و همه از دیدن‏ نور درخشندهء این الماس گرانبها سخت متعجب و بهت‏زده شده بودند.در این اثناء گزارش- گری از خانم افغانی دربارهء الماس دریای نورش پرسشهائی کرده بود و شاهزاده خانم هم‏ ضمن گفتگو دربارهء این الماس اظهار داشته بود که آرزو دارد الماس خود را در امریکا به‏ فروش برساند.«بقیه دارد»

(1)- John F.Hylan

گل امید

هوا هوای بهار است و باده بادهء ناب‏ بخنده‏خنده بنوشم،جرعه‏جرعه شراب‏ در این شراب ندانم چه کرده‏ای،دانم‏ که خوش به جان هم افتاده‏اند،آتش و آب‏ فرشته روی من،ای آفتاب صبح بهار مرا به جامی از این آب آتشین دریاب‏ به جام مستی ما ای شراب عشق بجوش‏ به بزم سادهء ما ای چراغ ماه بتاب‏ گل امید من امشب شکفته در بر من‏ بیا و یک نفس ای چشم سرنوشت بخواب‏ مگرنه خاک ره این خرابه باید شد؟ بیا که کام بگیریم از این جهان خراب